یادداشتی از مصطفی رحماندوست

بابا موتوره دیگه!

چند وقت پیش با تعدادی از کارشناسان شهری جلسه مشترکی داشتیم. معمولا در این جلسات که با حضور شاعران، اندیشمندان و کارشناسان حوزه‌های مختلف شهری برگزار می‌شود...

خاطره‌بازی بیژن ذوالفقارنسب

همه دوست داشتند مثل تیم هما باشند

مسائل ورزشی نیازمند تحلیل در فضای فرهنگی و اجتماعی هستند. براساس نظریات بین‌المللی ورزش، پدیده‌ای فرهنگی- اجتماعی است. تاثیرات مثبت یا منفی مسائلی از این دست...

در صفحه ۱۲ بخوانید...
■ استقرار هویتی در آینه صنایع‌دستی | مهین سهرابی
■ چهار «خنده» بلند | بر گرفته از کتاب «دست‌هایت بوی نور می‌دهند»
■ سرنخ بی‌سرنخ
و...

پرونده‌ای به بهانه هفته فرهنگ داوطلبی

داوطلبی
رنگ متفاوت زندگی

داوطلبی باید از لحاظ کیفی ارتقا پیدا کند

| سیدمحمدحسین جوادی | عضوانجمن مددکاری |

هر اندازه که در یک جامعه سرمایه‌اجتماعی بیشتر باشد، مشارکت اجتماعی مردم در فرآیندهای اجتماعی بالا می‌رود و همین اتفاق باعث می‌شود تا موضوع داوطلبی معنا و مفهومی تازه پیدا کند. اگر سرمایه اجتماعی بیشتر باشد ما می‌توانیم امیدوار باشیم که در کشور، داوطلبی باکیفیت‌تری داشته باشیم. اگر بخواهیم در آستانه روز داوطلب، چشم‌اندازی از این موضوع در کشور ارایه کنیم، باید بگوییم وضع داوطلبی در کشور به لحاظ کمی مناسب است. ما مردم زیادی در کشورمان داریم که انگیزه انجام کار خیر و کمک به همنوع آنها را ترغیب کرده تا جذب نهادهایی شوند که به داوطلب نیاز دارند. ارگان‌هایی مانند هلال‌احمر، بهزیستی و ارگان‌های زیست‌محیطی از نظر نیروی داوطلب مشکلی ندارند اما آن‌چیزی که داوطلبی را در کشور با مشکل مواجه کرده، معنای واقعی این کلمه و کیفیت و اثربخشی آن است. این موضوع شاید در قیاس با دیگر کشورها کمی روشن‌تر شود. واقعیت این است که در کشورهای توسعه‌یافته وقتی یک فرد داوطلب می‌شود، تعهد واقعی نسبت به آن سازمان پیدا می‌کند و در تمام فرآیندهایی که آن سازمان یا نهاد انجام می‌دهد، حضور جدی دارد. در ایران اما داوطلبی تنها یک عنوان است. خیلی از داوطلبان به‌دلیل مشغله‌های گوناگون کمتر فرصت می‌کنند تا بخشی از زمان خود را صرف کارهای جدی و داوطلبی کنند. همین اتفاق باعث می‌شود تا از داوطلبی تنها یک عنوان باقی بماند. راه‌هایی اما وجود دارد که می‌توان این موضوع را تا حدودی مرتفع کرد. اگر قرار باشد داوطلبی به لحاظ کیفی درست شود مهم‌ترین اقدام این است که ما روی اعتماداجتماعی کار کنیم.

آیتم‌هایی که سرمایه‌اجتماعی را می‌سازد، مشارکت و اعتماد اجتماعی است. مردم اگر واقعا به سازمان یا نهادی اعتماد داشته باشند، وارد کارهای خیر می‌شوند. این اعتماد از آنجایی نشأت می‌گیرد که باید نشان دهد یک فعالیت داوطلبی هیچ هدف سیاسی ندارد یا سازمان‌ها اهداف شخصی خود را دنبال نمی‌کنند. دومین مسأله هم این است که زمینه‌های مشارکت به‌درستی فراهم شود. متاسفانه در ایران خیلی از فعالیت‌های داوطلبی به‌صورت کلیشه‌ای تعریف شده است. همین اتفاق اجازه نمی‌دهد که داوطلبی به‌صورت اصولی و درست پیش برود. به‌عنوان مثال در کشور ما هیچ تفاوتی بین فعالیت‌های استاد دانشگاهی که داوطلب است با یک دانشجوی عادی وجود ندارد و همین تخصصی‌نبودن فعالیت‌های داوطلبی باعث می‌شود تا ارتقای داوطلبی ابتر بماند.

یکی دیگر از نکاتی که باید درمورد داوطلبی مورد توجه قرار گیرد، نهادها و زمینه‌هایی است که باید مشارکت جدی در آنها بیشتر باشد. ما امروزه در بحث معضلات اجتماعی و زیست‌محیطی این نیاز را بیش از هر زمان دیگری احساس می‌کنیم. مسأله‌ای مثل اعتیاد که امنیت اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار داده به داوطلبان جوانی نیاز دارد که برای این کار زمان زیادی داشته باشند. مسأله اعتیاد با وجود ۲۰ هزار درمانگر و وجود چند موسسه و «ان‌جی‌او» حل نمی‌شود و مشارکت بیشتری را می‌طلبد با حتی مسائل زیست‌محیطی نیز که این روزها دغدغه خیلی از مردم شده به داوطلبانی نیاز دارد که به صورت جدی در این زمینه کار کنند. به‌نظر می‌رسد حتی در خیلی از حوزه‌ها می‌توان نیروهای داوطلب زن بیشتری جذب کرد تا به جامعه کمک کنند. امروزه در جامعه در بحث رشد و تکامل یکپارچه کودکان وضع مناسبی نداریم. آموزش‌های خارج از مدرسه و پیش از دبستان تنها محدود به بچه‌هایی می‌شود که به مهدکودک می‌روند و این تعداد کودک تنها ۲۰ درصد از کل کودکانی است که به این آموزش‌ها نیاز دارند. فعالیت مناسب در این زمینه و جذب داوطلبان به‌خصوص زنان می‌تواند این معضل را در کشور حل کند. شاید جالب باشد که بدانید درمورد همین مسأله در کشور کوبا ۴ میلیون زن داوطلب گردهم آمده‌اند تا بتوانند برای آموزش کودکان پیش از دبستان یک فعالیت اجتماعی و البته‌اصولی انجام دهند. نمونه چنین فعالیت‌هایی در دنیا که اتفاقا کم هم نیست می‌تواند ما را به استانداردهای درست و اصولی داوطلبی در کشور نزدیک کند.

در پایان امیدوارم روز جهانی داوطلب فرصت خوبی باشد برای این‌که بتوانیم فرهنگ داوطلبی را هرچه بهتر بین مردم ایجاد و آنها را در این کار مهم و خیرخواهانه شریک کنیم.

> ● واقعیت این است که در کشورهای توسعه‌یافته وقتی یک فرد داوطلب می‌شود، تعهد واقعی نسبت به آن سازمان پیدا می‌کند و در تمام فرآیندهایی که آن سازمان یا نهاد انجام می‌دهد، حضور جدی دارد. در ایران اما داوطلبی تنها یک عنوان است. خیلی از داوطلبان به‌دلیل مشغله‌های گوناگون کمتر فرصت می‌کنند تا بخشی از زمان خود را صرف کارهای جدی و داوطلبی کنند.
>
> ● آیتم‌هایی که سرمایه‌اجتماعی را می‌سازد، مشارکت و اعتماد اجتماعی است. مردم اگر واقعا به سازمان یا نهادی اعتماد داشته باشند، وارد کارهای خیر می‌شوند. این اعتماد از آنجایی نشأت می‌گیرد که باید نشان دهد یک فعالیت داوطلبی هیچ هدف سیاسی ندارد یا سازمان‌ها اهداف شخصی خود را دنبال نمی‌کنند.

پروژه‌هایی برای گسترش فرهنگ داوطلبی

| رمضانعلی قادری | مددکار اجتماعی |

داوطلبی یعنی وقتی فردی با میل، انگیزه، رغبت و شناخت کاری را انجام دهد. این کار ممکن است انگیزه‌های مادی، معنوی و روانی داشته باشد. بعضی‌وقت‌ها انگیزه روانی جنبه مثبت یا منفی به‌خود می‌گیرد. از جنبه منفی آن می‌توان به خودنمایی اشاره کرد. وقتی می‌خواهیم خودمان را به دیگران ثابت کنیم، کارمان جنبه فردی دارد. من با داوطلب شدن، خودم را نمایش می‌دهم و می‌خواهم از این طریق مورد قبول و تأیید واقع شوم. جنبه دیگر یعنی جنبه مثبت وقتی است که می‌خواهم با کاری که انجام می‌دهم سودی به دیگران برسانم. می‌خواهم‌او استفاده کند و سودی ببرد. این یک انگیزه دیگر خواهانه، انسان‌دوستانه و ایثارگرانه است. یعنی خودمان را نبینیم و به دیگران خدمت کنیم تا انها از کار ما سود ببرند.

گاهی ممکن است خدمتی که به دیگران می‌کنیم، ناآگاهانه باشد. کسی کاری برای دیگری می‌کند ولی عواقب آن را نمی‌داند. معمولا در گروه‌ها و باندهای بزهکاری و فعالیت‌های خطرناک آن را می‌بینیم. این افراد کاری را انجام می‌دهند اما عواقبش را نمی‌دانند و فقط چون دوستانشان می‌گویند آن را انجام نمی‌دهند. معلوم نیست چه اتفاقی برای آنها بیفتد، ممکن است سر از زندان دربیاورند یا مشکلات شخصی دیگری برایشان پیش بیاید. معمولا جوانان برای این که مورد قبول گروه‌های دوستی‌شان باشند و ارزش‌های گروهی را قبول کنند، کارهایی را انجام می‌دهند. گاهی در نتیجه این کارها، آنها را در زندان می‌بینیم، مثلا در زندان هستند کسانی که داوطلبانه به جای دوستشان به زندان آمده‌اند و اتهامی را پذیرفته‌اند برای این‌که مشکلی برای دوستشان به‌وجود نیاید. اگر بخواهیم از منظر دینی نگاه کنیم، داوطلب‌شدن در کار خیر مثبت برای دیگران پاداش خیلی بیشتری دارد تا کاری که به انگیزه شخصی و فقط برای خودمان انجام دهیم. از منظر جامعه‌شناسی، داوطلبی، همبستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی را به‌دنبال دارد که نهایتا منجر به سرمایه اجتماعی برای کشور می‌شود. یک جامعه به‌شدت نیازمند مشارکت داوطلبانه مردم است، مشارکتی که از روی اجبار و زور نباشد. بعضی‌وقت‌ها می‌خواهیم تحت فشار مشارکت مردم را جلب کنیم درحالی که این نوع مشارکت در قالب سرمایه اجتماعی نمی‌گنجد.

ادامه در صفحه ۱۰

یادداشت

آرزوی یک فرد داوطلب

| حسین پورمهدی | داوطلب فعال حوزه کودکان |

عشق خدمت داوطلبانه را نمی‌توان با هیچ چیزی در دنیا تعویض کرد. کسانی که به‌طور داوطلبانه در عرصه‌های مختلف اجتماعی حاضر می‌شوند، هدفی دارند که خیلی‌وقت‌ها دیگر اعضای جامعه از آن بی‌اطلاعند. روز داوطلب، گرامیداشتی جهانی برای اکرام فعالان بی‌منتی است که برای رفاه و آسایش اعضای جامعه فعالیت می‌کنند. کسانی که با عشق به خدمت از روزهای زندگی خود کم می‌کنند و به روزهای زندگی عضوی دیگر در جامعه می‌افزایند. فعالیت داوطلبانه و بدون دریافت اجر و پاداش، لذتی دارد که هیچ فعالیت دیگری نمی‌تواند آن را به انسان منتقل کند. شما چطور می‌توانید خنده‌ای که بر چهره یک کودک ۵، ۶ ساله ایجاد می‌شود را با چیز دیگری عوض کنید؟! این خنده می‌تواند ساعات مختلف زندگی یک انسان را با خوبی و خوشی بگذراند. ما انسان‌ها، همه ما می‌توانیم به زندگی خود رنگ زیبایی ببخشیم، رنگی که با آن تا پایان عمر به نیکی زندگی کنیم.

فعالیت داوطلبانه در حوزه کودکان از طرفداران خاصی برخوردار است، خیلی‌ها دوست دارند در این حوزه فعالیت کنند، اما متاسفانه فعالیت بسیاری از آنها مقطعی و زودگذر است و پس از مدت کوتاهی به باد فراموشی سپرده می‌شود. آنها دیگر نمی‌اندیشند که ممکن است مددجویانی که با آنها در ارتباط بوده‌اند به وجودشان عادت کرده باشند. مددجویانی که به دلیل سن پایین به مراتب وابستگی بیشتری به اطرافیان خود دارند. فعال داوطلب حوزه کودکان باید در ابتدا با آسیب‌های مختلفی که کودکان با آن روبه‌رو هستند، آشنایی کامل داشته باشد تا بتواند با شناخت کافی در جهت توانمندسازی این قشر قدم بردارند. مددجویان حوزه کودکان باید با شناخت و آگاهی لازم وارد قضیه کار (کار داوطلبی) شوند. درست است که این کار (کار داوطلبی) عشق می‌خواهد و باید با علاقه پیگیری شود اما مطالعه و داشتن آگاهی هم از ویژگی‌های دیگر یک مددکار با داوطلب کار در حوزه کودکان است. من بارها در انجمن‌های مختلف فعال در حوزه کودکان با افرادی برخورد کرده‌ام که تنها دنبال ژست کار با کودک بوده‌اند و متاسفانه با آگاهی لازم جلو نمی‌رفتند. مطمئنا نتیجه‌ای که از این فعالیت‌ها به دست می‌آید، رضایت‌بخش نخواهد بود، به‌دلیل آن‌که فعالیت این افراد بدون علم و آگاهی انجام می‌شود و هیچ شناختی درباره مددجو و کودکان وجود ندارد. یکی دیگر از فعالیت‌های یک فعال حوزه کودک باید شناخت بر خواهد باشد. طبیعتا فرد مددکار با شناخت خانواده به شناخت کودکان که یکی از اعضای این گروه کوچک اما مهم به‌حساب می‌آیند هم خواهد رسید. او باید ببیند که کودک چه کمبودها و کاستی‌هایی در خانواده خود داشته و متناسب با این کمبودها برنامه‌های حمایتی خود را تنظیم کند. فرد داوطلب برخلاف نظر عده‌ای در جامعه باید بر بسیاری از شاخه‌های علوم اجتماعی تسلط یا حداقل آشنایی لازم را داشته باشد.

> **مددجویان حوزه کودکان باید با شناخت و آگاهی لازم وارد قضیه کار با مددجو شوند. درست است که این کار (کار داوطلبی) عشق می‌خواهد و باید با علاقه پیگیری شود اما مطالعه و داشتن آگاهی هم از ویژگی‌های دیگر یک مددکار در حوزه کودکان یا داوطلب کار در حوزه کودکان است**

آرزوی یک فرد داوطلب که سال‌های زیادی از زندگی خود را در راه توانمندسازی کودکان گذرانده روزی است که هیچ کودکی به‌دلایل مختلف دچار آسیب‌های اجتماعی نشود و در خیابان زندگی نکند. آرزوی یک فرد داوطلب که سال‌های زیادی از زندگی خود را در راه فعالیت با کودکان گذرانده این است که گروه‌های بسیاری از مردم از ضرورت کار داوطلبانه و عشقی که در آن موج می‌زند، آگاه شوند. آرزوی یک فرد داوطلب که سال‌های زیادی از زندگی خود را در راه توانمندسازی کودکان گذرانده این است که نه‌تنها کودکان بلکه تمامی اعضای جامعه از شرایط مناسب برای زندگی برخوردار باشند. به امید آن روز.

در صفحه ۱۱ بخوانید...

شمارش معکوس

پیش از نصف مهاجران غیرقانونی به استرالیا را ایرانیان تشکیل می‌دهند

باید به کجا برسی؟

پرانتز

در چیستی حقوق شهروندی

هر یکشنبه با منوچهر آشتیانی

اصلاحات ارضی، مقدمه افول اقتصاد زراعی

تاکسی‌نوشت

امید، درمانم کرد